

## مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۰

نادر صنعتی شرقی<sup>۱</sup>

ملیحه رستم زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

ادبیات نظری و یافته‌های تجربی نشان دهنده طیف وسیعی از معیارهای مختلف در زمینه همسرگزینی می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است که با روش کیفی، راهبرد روش رویش نظری و کسب داده از موقعیت واقعی کنشگران، به درک بهتری از معیارهای همسرگزینی دست یابد. داده‌های این پژوهش از طریق نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه روایتی نیمه ساختارمند با جوانان (دختر و پسر) شهر مشهد صورت گرفته و بعد از تحلیل، تعداد سیزده مقوله که بیانگر اولویت‌های همسرگزینی افراد بود، استخراج گردید. این مقوله‌ها عبارتند از قیافه و ظاهر، ویژگی جسمی، منشی و رفتاری (خلق و خوی) ویژگی شخصیتی و روحی، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام متقابل و درک کردن. در نهایت تقابل‌های دوقطبی به عنوان مقوله هسته انتخاب شده است (طبقه، تحصیلات، جنسیت، مذهبی بودن و منطقی بودن). با عنایت به این مقولات هسته و در پایان دو الگو و مدل متفاوت برای دختران و پسران ترسیم گردید، این دو الگو نشان می‌دهد که انتخاب‌های دختران و پسران در هر الگو، آمیخته از نظریات مختلف از جمله نظریه همسان‌همسری، نظریه انتخاب عقلانی، نظریه روابط فردی و نظریه پالایش می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** معیارهای همسرگزینی، نظریه پالایش، نظریه همسان‌همسری، روش رویش نظری.

sanatinader@yahoo.com

۱. دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، استادیار دانشگاه پیام نور فردوس

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور مشهد، نویسنده مسؤول

maliherostamzade@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسأله

تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی از سوی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌کاوان و سایر محققین در مورد انتخاب همسر و معیارهای همسرگزینی صورت گرفته و بر اهمیت این انتخاب بر زندگی انسان تأکید داشته‌اند. با وجود پنجاه سال مطالعه و پژوهش، علاوه بر ناکامی روان‌شناسان در درک کامل معیارهای انتخاب همسر، جامعه‌شناسان نیز به درک یکسانی در این زمینه نرسیده‌اند (فینچام و برادبری، ۱۳۹۰: ۱). در ایران هم پژوهش‌های متعددی انجام شده است که به بررسی معیارهای انتخاب همسر پرداخته و تلاش کرده‌اند که ازدواج را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند. در عین حال، ناهم‌سویی در این یافته‌ها و تحقیقات موجب ارائه نظریات متفاوتی در این زمینه شده است به گونه‌ای که هر یک از آنها، یک یا چند عامل متفاوت را به عنوان معیار همسرگزینی معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، حسن زادگان رودسری و سعیدی رضوانی (۱۳۷۲)، عامل اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین معیار همسرگزینی افراد ذکر کرده‌اند. در مقابل، شهریاری (۱۳۸۱)، شیرنژاد (۱۳۸۳)، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌شناسی را اصلی‌ترین معیار بیان نموده‌اند. نصیرزاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۸) و حیدری و دیگران (۱۳۸۷)، به معیارهای اصیل فرهنگی تفاهم، اخلاق، وفاداری، مسؤولیت‌پذیری و مذهبی بودن را به عنوان مهم‌ترین معیار همسرگزینی اشاره نموده‌اند. علاوه بر این، یکی از نکات قابل توجه در این پژوهش‌ها، کم‌توجهی به معیارهای همسرگزینی افراد در عرصه واقعی انتخاب همسر (خواستگاری رسمی) می‌باشد. بنابراین، با توجه به ناهم‌سویی یافته‌های پژوهش‌های تجربی و عدم ارائه ملاک‌های کمابیش یکسان و کم‌توجهی به میدان واقعی کنشگران، این پژوهش در تلاش است که برای شناخت دقیق‌تر این موضوع با استفاده از روش کیفی و راهبرد گراند تئوری<sup>۱</sup> به شیوه معکوس وارد میدان پژوهش پیرامون همسرگزینی شود. شیوه معکوس در این جا بدان معناست که به جای آن که از افراد بخواهیم تا معیارهای همسر مطلوب خود را برای ما توضیح دهند، از کنشگران خواسته‌ایم تا معیارهایی را که در

عرصه واقعی انتخاب همسر، با آن مواجه شده و آن معیار، باعث رد یا قبول طرف مقابل شده را بیان کنند. از این رو، در این پژوهش تلاش می‌کنیم که به این سؤالات پاسخ دهیم که عوامل مؤثر در انتخاب همسر (دختران و پسران) کدامند؟ شرایط و عوامل زمینه‌ای، علی و مداخله‌ای آنان چیست؟ هم‌چنین پیامدهای حاصل از انتخاب همسر در جوانان (دختر و پسر) کدام است؟

**مبانی نظری:** در پژوهش حاضر با توجه به نظریاتی که در خصوص معیارهای همسرگزینی مطرح است، نظریات به سه دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته اول از صاحب‌نظرانی مانند وبر و مرتن<sup>۱</sup> می‌باشد که توجه خود را به ساختارهای کلان و تأثیر بلافصل آن‌ها بر کنش افراد معطوف نموده، بر اساس تئوری بی‌سامانی اجتماعی رابرت کی‌مرتن، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶) بر اساس مدل وبر، می‌توان ساخت دو سنخ جامعه‌ی عقلایی حقوقی و سنتی را مبتنی بر اصل راه‌ها و اهداف دانست و از هم تفکیک نمود. اختلال و گسستگی که در راه‌ها و اهداف در دو سنخ ارزشی و عاطفی وجود دارد، بیانگر آن است که هیچ‌گونه سنخ مطلوبی از یک جامعه سالم را نمی‌سازند. بر پایه‌ی این دیدگاه، هرگاه راه‌ها و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به‌طور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند ازدواج رخ می‌دهد (همان: ۷۶). دسته دوم نظریات روان‌شناسی می‌باشد، که تحت تأثیر چند دیدگاه نظری قرار دارند، که از جمله می‌توان به نظریه همسان‌همسری اشاره کرد. بر طبق این نظریه، آن‌چه در انتخاب همسر اولویت اصلی افراد می‌باشد، شباهت‌ها است. یعنی هرچه شباهت‌ها و همانندی‌های دختر و پسر بیشتر باشد، دو طرف بیشتر مایل به ازدواج با یکدیگر هستند. هم‌چنین نظریه نیازهای مکمل بیان می‌کند انسان‌ها مجموعه نیازهایی دارند که از طریق روابط اجتماعی برآورده می‌شود. نیازهایی مانند نیاز به حمایت عاطفی، مراقبت و ارضای جنسی. فرضیه اصلی نظریه مذکور این است که در درون مجموعه‌ای از افراد واجد شرایط، افرادی که

الگوی نیازهای شان، ارضای متقابل را تأمین نماید، همدیگر را به عنوان شریک ازدواج انتخاب می کنند (Eshleman, 1988: 86). در نظریه انگیزش، اهداف نقشی کلیدی دارند. براساس این رویکرد، انجام هر کاری در زندگی مستلزم تعقیب یک هدف است (Cox & Klinger, 2002: 925-940). براساس نظریه روابط فردی (آنجلس) روابط فردی برخاسته از بررسی های مربوط به ارتباط اولیه مادر فرزند است و به تأثیر دیرپای این تجارب بر کارکرد بعدی کودک در بزرگسالی توجه خاصی مبذول دارد. این نظریه بر این که چگونه والدین بر انتخاب همسر و فرزندان تأثیر می گذارند، یعنی گذشته در یاد انسان باقی می ماند و همواره به صورت ناهشیار و به طرق نیرومند بر زندگی او تأثیر می گذارد. بر اساس نظریه انتخاب، به عقیده ی گلسر (Glasser, 2000: 163)، تمام اعمالی که ما انجام می دهیم، رفتار به شمار می روند و تقریباً تمامی رفتارهای ما انتخاب می شوند. وی رفتار را شامل چهارمؤلفه ی عملکرد، تفکر، احساس و فیزیولوژی می داند که افراد بر دو مؤلفه ی عملکرد و تفکر، تأکید اساسی دارند. به طور مستقیم بر مؤلفه های احساس و فیزیولوژی و به طور غیرمستقیم بر دو مؤلفه ی عملکرد و تفکر کنترل و انتخاب دارند (Glasser, 2000: 164) دسته سوم نظریات جامعه شناسی که به کنش فردی و در سطح خرد قرار دارد، شامل نظریاتی از جمله نظریه ی مبادله جورج هومنز و پیتر بلاو<sup>۱</sup> است. فرض اساسی این نظریه آن است که مردم در انتخاب های خود منطقی بوده و در صدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. هم چنین نظریه تبادل اجتماعی بیان می کند هرگاه شخص پی ببرد، بین آن چه ارائه می دهد و آن چه دریافت می کند، تبادلی نافع وجود دارد، احتمال جذب شدن و به وجود آمدن عشق با دوام بیشتر است. براساس نظریه تعادل هیدر (Heider, 1958)، خاطر نشان می سازد اگر انسان فردی را به عنوان همسر انتخاب کند که نسبت به اشخاص، عقاید و وقایع اطراف، همان عقاید، تفکر و احساسات او را داشته باشد، در این صورت، برای فرد مذکور استرس کمتری به وجود می آید. در نظریه تصور از همسر مطلوب، این واژه به منظور بیان تصویری که جوانان

---

1. Homans & Blau

از ویژگی‌های فرد مورد نظرشان جهت ازدواج در ذهن خود می‌سازند، به کار می‌رود. اگر چه تقریباً هیچ تحقیق تجربی در خصوص منشأ تشکیل تصور ذهنی از همسر مطلوب صورت نگرفته، اما می‌توان به دو نوع مهم شکل‌گیری این تصور اشاره کرد: ارزش‌های فرهنگی و نیازهای شخص (Udri, 1966: 17). بورس کوئن اشاره می‌کند که همسرگزینی و ازدواج با دو روش انجام می‌گیرد. روش اول انتخاب، معمولاً بر اساس عشق و علاقه استوار است و روش دوم انتخاب، در اختیار خانواده‌هاست (توسلی، ۱۳۷۹: ۶۸). نظریه پالایش هم تحت عنوان فرایند نیز مطرح شده است. به طور بدیهی انتخاب همسر، یک فرایند انتخاب هست. این فرایند را مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل روان‌شناختی و اجتماعی تعیین می‌کند که این مجموعه متغیرها، بر جذب شدن افراد به همدیگر تأثیر می‌گذارد (البته نه در مراحل بعدی، یعنی این متغیرها مختص همین مرحله است). این متغیرها از طریق پالایش، افرادی که مناسب ما نیستند را از دایره ارتباط بیرون می‌کند (Barbara, 1994: 84).

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از آن جهت که به دنبال چرایی کنش و عملکرد در افراد بوده، روش کیفی<sup>۱</sup> را برای انجام پژوهش مناسب دانسته است. هم‌چنین، به دلیل قانع نبودن نظریات موجود در این زمینه، در پی راهبردی بوده که به پاسخ مناسبی دست پیدا شود و راهبرد گراند تئوری، زمینه‌ای مناسب تشخیص داده شده است. بر اساس سؤال پژوهش، از روش مصاحبه که ترکیبی از مصاحبه روایتی، عمیق (نیمه ساخت یافته) می‌باشد، استفاده شده است و نیز جامعه هدف پژوهش، شامل دختران و پسران مجرد و متأهل در شهر مشهد، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۴ بوده است. برای انتخاب موارد از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و در انتخاب این موارد به دنبال ابعاد و ویژگی‌های متفاوت تر و ایجاد مقوله در پژوهش بوده و از حداکثر تنوع که شامل موارد ارزشی، اقتصادی، تحصیلی، جنسیت و ویژگی شخصیتی استفاده شده است. تعداد موارد

---

1. qualitative research

پژوهش شامل ۹ زن و ۶ مرد بین سنین ۲۵ تا ۴۰ بوده است. معیار پژوهش برای پایان دادن به مصاحبه‌ها، رسیدن به اشباع نظری بوده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. استراس و کوربین (۱۳۹۰)، در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها را خرد و مفاهیم انتزاعی از آن استخراج گردید، سپس به مقایسه مفاهیم به دست آمده از این کدگذاری اقدام شده، مفاهیمی که از نظر معنا مشابه هم بودند در ذیل مفهوم انتزاعی تر، یک مقوله قرار گرفت. در مرحله بعد، کدگذاری محوری صورت گرفت، مفاهیم و مقولاتی که در مرحله پیشین شناسایی شده بودند، نظم بیشتری یافته و طبقه مرکزی که مسؤول بیشترین تغییرات در الگوی رفتاری بود، شناسایی شد. سپس سایر مقوله‌های کشف شده در داده‌ها که معمولاً از بیشترین تکرار در درون داده‌ها برخوردار بود، با آن تلفیق شد. در نهایت از طریق کدگذاری نظری یا انتخابی، به ربط دادن مقوله‌های محوری با هم پرداخته و از مجموعه مقوله‌های محوری، یک مفهوم انتزاعی تر به عنوان مقوله هسته می‌باشد و در پژوهش حاضر، معیار صحت و اعتبار را قابلیت اعتماد لینکن و گوبا<sup>۱</sup> قرار داده شده است. برای بررسی صحت داده‌های به دست آمده از سه عنصر قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان پذیری و قابلیت تأییدپذیری استفاده شده، هم چنین می‌توان گفت این پژوهش، در اکثریت موارد با رضایت خود مصاحبه شونده، ضبط مصاحبه‌ها صورت گرفته است.

### یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ و ۲ بیانگر ویژگی کلی از مصاحبه شونده‌گان از جمله ویژگی فردی و خانوادگی دو طرف، دلایل ابتدایی و نهایی رد و قبول، تعداد موارد خواستگاری، مدت زمان، نحوه آشنایی و در آخر معیارهای انتخاب همسر فرد می‌باشد.

جدول ۱<sup>۱</sup> جدول توصیفی مصاحبه شوندگان

مصاحبه شوندگان	ویژگی فردی شخصیتی	ویژگی خانوادگی	ویژگی های فردی و خانوادگی طرف مقابل
آرزو	لیسانس، شاغل، مجرد، متولد ۵۹، منطقه زندگی: ایثار، نوع پوشش: چادری، فردی منطقی و سنتی صبور و مؤدب، با گذشت، محافظه کار، مسؤولیت پذیر، منظم	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: متوسط رو به پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: سنتی و محدود، شغل پدر: بازنشسته، مادر: خانه دار	دیپلم، متولد ۶۰، شغل آزاد، اعتقادات: سنتی - مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: متوسط رو به پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: سنتی و محدود
بیبا	لیسانس، متأهل، متولد ۶۴، منطقه زندگی: کلاهدوز، نوع پوشش: ورزشی، فردی تلفیق منطق و عشق، در انجام وظایف نسبتاً سنتی، مؤدب، خیلی محافظه کار، خوش برخورد	انعطاف پذیر باز، وضعیت مالی: بالا، منزلتی: بالا، نوع روابط و ارتباطات: باز و امروزی، شغل پدر: کارخانه دار، مادر: خانه دار	سنتی انعطاف پذیر، وضعیت مالی: خوب، منزلتی: خوب، نوع روابط و ارتباطات: نسبتاً باز، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار، نوع پوشش: چادری و معمولی
سمیه	فوق لیسانس، متولد ۶۰، مجرد، استاد، نوع پوشش: راحت و امروزی، فردی منطقی، روابط عمومی بالا، خوش برخورد، غیر سنتی، مصاحبه شونده ارزشی	سنتی - مذهبی انعطاف پذیر، وضعیت مالی و منزلتی: متوسط، شغل پدر: آزاد، مادر: معلم	سنتی - مذهبی
غزل	فوق لیسانس، متولد ۶۹، مجرد، نوع پوشش: راحت، مصاحبه شونده عشقی، فردی احساساتی، خوش برخورد، تلفیقی از سنتی و مدرن	خانواده باز امروزی، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: مهندس، مادر: خانه دار	خانواده باز و امروزی، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار، فوت شده
فریبا	فوق لیسانس، متولد ۶۷، متأهل، روان شناس، نوع پوشش: راحت، مصاحبه شونده عشقی، فردی شاد و پرانرژی، خوش برخورد با روابط بالا	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب
محبوبه	دیپلم، متولد ۶۶، متأهل، نوع پوشش: ساده و چادری، منطقه زندگی: رجائی، خونگرم و خوشبرخورد، مؤدب، فردی سنتی، عدم حق انتخاب داشتن	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار

۱. جهت حفظ حریم خصوصی افراد، از نام واقعی آن‌ها استفاده نشده است و اسامی مشابه برای مصاحبه شوندگان انتخاب و ذکر این نام‌ها در اینجا، صرفاً برای ملموس شدن مصاحبه‌ها بوده است.

آسیه	لیسانس، متولد ۶۴، نوع پوشش: ساده و چادری، منطقه زندگی: مصلی، فردی سنتی، ساده و صادق	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین
زهرا	سیکل، متولد ۵۵، متأهل، نوع پوشش: ساده و فردی سنتی، رک گو، چادری، منطقه زندگی: شهید رجایی	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت
فاطمه	فوق لیسانس، سه لیسانس، استاد، متولد ۶۳، متأهل، نوع پوشش: چادری و محجبه، منطقه زندگی: طلاب، فردی با روابط عمومی بالا، خونگرم، صادق، فردی مذهبی با اعتقادات فوق العاده بالا	سنتی مذهبی، نسبتاً باز، وضعیت مالی: متوسط، منزلتی: اندک	سنتی مذهبی، نسبتاً باز، وضعیت مالی: متوسط، منزلتی: اندک
مرتضی	دیپلم، کارمند بیمارستان، متولد ۶۲، متأهل، منطقه زندگی: سرافرازان/ نوع پوشش: معمولی، فردی منطقی، سنتی، حسابگر، جدی و نسبتاً خشک، مسؤولیت پذیر	سنتی مذهبی نسبتاً انعطاف پذیر، وضعیت مالی: متوسط روبه پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: معمولی، شغل پدر: بازنشسته، مادر: خانه دار	مورد ۱: لیسانس، کارمند رسمی، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار خوب، اعتقادی: معمولی، مورد ۲: فوق لیسانس، استاد، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار پایین
رضا	فوق لیسانس، معلم، متولد ۵۴، مجرد، منطقه زندگی: قاسم آباد، نوع پوشش: ورزشی ورزشکار، فردی منطقی و غیر سنتی، باگذشت، مسؤولیت پذیر- منظم و دقیق، مصاحبه شونده عشقی و ارزشی	اعتقادات: سنتی و نسبتاً مذهبی و انعطاف پذیر، وضعیت مالی: نسبتاً پایین، منزلتی: فاقد منزلت، نوع روابط و ارتباطات: سنتی، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	اعتقادات: باز، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار خوب، شغل پدر: کارمند (پزشک)، مادر: معلم، لیسانس، متولد ۶۵
میثم	دانشجوی دکتری، متولد ۶۸، متأهل، منطقه زندگی: خیام، نوع پوشش: راحت و امروزی، مصاحبه شونده عشقی، فردی باهوش و مسؤولیت پذیر	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: مهندس، مادر: خانه دار	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، هم دانشگاهی
علی	منطقه زندگی: قلعه خیابان، متولد ۶۷، نوع پوشش: راحت و ورزشی، فردی منطقی، ساده، صادق و خوش برخورد	مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین، لیسانس	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، هم دانشگاهی



حسن	دپلم، شغل: آزاد، متولد ۶۲، متأهل، منطقه زندگی: مهرآباد، نوع پوشش: ساده، مصاحبه شونده عشقی فردی احساسی و منطقی، ساده، خونگرم و خوش برخورد	مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: کشاورز، مادر: خانه دار	خانواده مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت
جواد	دپلم، شغل: آزاد، متولد ۶۱، متأهل، منطقه زندگی: ابوطالب، نوع پوشش: ساده، فردی منطقی و فوق العاده سنتی، خشک و جدی	سنتی مذهبی بسته، وضعیت مالی و منزلتی: متوسط، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: نسبتاً خوب

جدول ۱ بیانگر ویژگی‌های توصیفی از مصاحبه‌شوندگان و طرف مقابل آنهاست که منجر به رد ازدواج یا ازدواج شده است، می‌باشد. در یک توصیف کلی می‌توان گفت مصاحبه‌شوندگان به لحاظ سطح تحصیلات دارای حداکثر و حداقل دکتری و سیکل و بین سنین ۲۵ تا ۴۰ سال می‌باشند. هم‌چنین در بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مصاحبه‌شوندگان، از جهت ارزشی، اعتقادی و منزلتی (اقتصادی)، دارای حداکثر تنوع اعتقادی و اقتصادی بوده‌اند. این پژوهش هر دو جنس (دختر و پسر) را شامل شده است.

جدول ۲) جدول توصیفی نحوه قبول و رد مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان	نحوه آشنایی	دلایل ابتدایی رد	تعداد موارد رد کردن	دلیل یا دلایل رد یا قبول نهایی	مدت زمان خواستگاری (ارتباط)	معیارهای انتخاب همسر فرد
آرزو	نسبت خانوادگی	عدم تناسب سنی	۲ مورد	بعد مالی، اصلی‌ترین دلیل: عدم اعتماد به نفس	۳ جلسه	تناسب سنی، معیار شغل، معیار خانواده، ایمان واقعی داشتن، سلامت روحی، عدم وابستگی عاطفی و اقتصادی
بیتا	آشنایی مجازی	معیار ظاهر، خانواده، شغل	۱ مورد	عدم دوست داشتن، تردید، عدم قبول شخصیت، دلیل اصلی: وجود خواستگار دیگر و عاشق شدن	۲ سال ارتباط، ۳ جلسه خواستگاری	معیار ظاهر، شغل، خانواده، معیار عشق، تفاهم، اعتقادات، اجتماعی بودن، معیار عاطفی

سمیه	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی‌ها	عدم قبول ویژگی‌های سنتی و مذهبی	موارد مختلف	عدم قبول فرد سنتی و مذهبی	به طور تقریبی ۲ یا ۳ جلسه	بعد فکری و ارزشی، منزلت اجتماعی، شغل، عدم اعتیاد، سربازی رفتن، تعهد، مسؤلیت پذیری، بعد مالی
غزل	امروزی، دوست شدن	معیار ظاهر، شغل، نحوه برخورد، خانواده	۴-۳ مورد	دلیل نهایی رد: عاشق بودن	۱۰ سال ارتباط	معیار ظاهر، شغل، نحوه برخورد، خانواده، عدم وابستگی مالی، بعد مالی، دوست داشتن
فریبا	امروزی، دوست شدن	عدم قبول ازدواج سنتی	۳-۲ مورد	دلیل نهایی قبول: عاشق بودن	۴ سال	معیار عشق، ظاهر، شغل، مالی، خانواده، تحصیلات، هدفمند بودن، مسؤلیت پذیری، شعور
محبوبه	سنتی به واسطه راوی‌ها	شغل، خانواده	۴ مورد	اصلی ترین معیار: شغل	۳ جلسه	معیار شغل، ظاهر، خانواده، عدم اعتیاد
آسیه	سنتی به واسطه راوی‌ها	شغل، خانواده	۲ مورد	اصلی ترین معیار: مالی	۲ جلسه	معیار استقلال مالی داشتن، شغل، خانواده، عدم اعتیاد
زهرا	سنتی به واسطه راوی‌ها	اعتیاد، عدم استقلال مالی	۴ مورد	بعد مالی (شغل)	به طور متوسط ۲ جلسه	شغل، استقلال مالی، عدم اعتیاد، خانواده
فاطمه	سنتی	بعد ارزش‌های خانواده	۲ مورد	بعد اعتقادی و ایمانی	۲ جلسه	بعد اعتقادی، شغل و عدم وابستگی مالی، خانواده، تحصیلات
مرتضی	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی‌ها	معیار ظاهر، نحوه پوشش و آرایش، کارمند رسمی نبودن، معیار جمعیت خانواده	۲ مورد	وضعیت تأهل فرد در گذشته، اعتیاد داشتن	یکماه و نیم ارتباط، ۹ جلسه خواستگاری	معیار ظاهر، تناسب داشتن خانواده‌ها، نحوه پوشش، تناسب داشتن اعتقادات، تحصیلات، کارمند رسمی بودن
رضا	به صورت تصادفی	عدم تناسب داشتن اعتقادی و ارزشی	۱ مورد	عدم قبول نوع رفتار و ارتباط، تعهد و نجابت	نزدیک به ۲ سال ارتباط	معیار تعهد، صداقت تفاهم به لحاظ بعد ارزشی و اعتقادی، تحصیلات، تناسب بعد فکری، تناسب داشتن خانواده‌ها
میثم	امروزی، دوستی	-	۱ مورد	مهم ترین دلیل: قبل عاشق بودن	۴ سال ارتباط صمیمانه	معیار دوست داشتن، ظاهر، تعهد، تحصیلات، تناسب ارزشی و اعتقادی، درک کردن
علی	امروزی، دوستی	-	۱ مورد	مهم ترین دلیل رد: عدم تناسب فرهنگی و تعهد داشتن	۴ ماه ارتباط	ظاهر، تناسب فرهنگی و تعهد داشتن، تناسب خانواده‌ها، تناسب ارزشی و اعتقادی

حسن	به صورت سنتی	ظاهر، خانواده	۲ مورد	ظاهر، معیار خانواده	۲ جلسه	معیار ظاهر، دوست داشتن، تعهد و نجابت، خانواده، تناسب اعتقادی
جواد	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی‌ها	بعد اعتقادی، ظاهر	۱ مورد	عدم صداقت، داشتن عدم تناسب اعتقادی و نحوه پوشش	۳ جلسه	معیار تعهد و نجابت، اعتقادی و نحوه پوشش، خانواده و بعد مالی، تناسب سنی

بر اساس یافته‌های پژوهش، توصیفی از نحوه خواستگاری، ویژگی اعتقادی و نیز دلایل رد یا قبول (طرف مقابل) و هم‌چنین مدت زمان ارتباط یا خواستگاری پرداخته شده و در آخر، معیارهای انتخاب همسر در مصاحبه شوندگان بیان شده است.

## جدول ۳) مقوله‌های فرعی و اصلی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	قیافه و ظاهر	قیافه، طرز لباس پوشیدنش، شکل و شمایل، صحبت کردنش
۲	روابط عاطفی و احساسی	علاقه، دوستش داشتنم، به دلم نشست، به دلم نمی‌نشست، عاشق بودن
۳	سلامت جسمی	سرطان داشتنش، بیماری ژنتیک
۴	ویژگی شخصیتی روحی	اجتماعی بود، شخصیت خشک اعتماد به نفس ندارند، پرمدها نبود، معتاد نباشد، ثبات شخصیتی
۵	تعهد داشتن	چشم پاک باشد، سنگین بود، تعهد داشته باشد، خیانت نکند، مسؤولیت‌پذیری، بی‌بند و باریش
۶	منشی-رفتاری	خوش اخلاق، خسیس نباشد، ساده بود و صاف بود، راستگو باشد، با ادب بود، مهربان بود
۷	امنیت داشتن	شغلش مناسب نباشد، شغلش خوب بود، امنیت عاطفی، رسمی نبودن، از نظر مالی، زندگی آرام
۸	استقلال داشتن	وابسته به پدرش بود، آدم مستقلی باشد
۹	داشتن شناخت پیشین	اقوام، خویشاوندان، به طایفه، شناخت داشتنم
۱۰	تناسب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی	اصل و نسبش مهم است، خانواده عالی، تناسب سن، تحصیل کرده باشد، موقعیت اجتماعی، کم جمعیت باشد، اختلاف اقتصادی و خانوادگی، طلاق گرفتن
۱۱	تناسب اعتقادی	مذهبی باشد، اعتقاد داشته باشد، دیانت، ایمان، غیرمذهبی، بعد فکری
۱۲	درک کردن	درک کند، تفاهم نداشتن ما
۱۳	احترام گذاشتن	احترامم حفظ کردن، احترام خانواده، احترام متقابل

بر اساس رویکرد گراندتئوری، در مرحله کدگذاری باز (تجزیه و تحلیل داده‌ها)، متن مصاحبه‌های حاصل از پژوهش را خرد و مفاهیم انتزاعی از آنها استخراج شد. سپس به مقایسه این مفاهیم اقدام شد و مفاهیمی که از نظر معنا مشابه هم بودند در ذیل مفهوم انتزاعی‌تر، یک مقوله قرار گرفت و به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و جدول ۳ بیانگر رابطه‌ی مقوله‌ها (محوری، باز) می‌باشد.

جدول ۴، ترکیبی از مقوله‌های محوری و مصاحبه‌شوندگان است. حاصل مصاحبه‌های پژوهش، دستیابی به ۱۳ مقوله محوری می‌باشد. مقوله‌های محوری که بیشترین اهمیت را داشته است با دو علامت مثبت، مقوله‌های محوری که برای مصاحبه‌شونده دارای اهمیت بوده است با یک علامت مثبت، آنهایی که اهمیت نداشته را با علامت منفی و مقوله محوری که مصاحبه‌شونده بنا به هر دلیلی اشاره نکرده است، بدون هیچ علامتی در این جدول آورده شده است.

جدول ۴) مقوله های محوری و مصاحبه شوندگان

مقوله محوری	معیار قیافه و ظاهر	معیار روابط عاطفی و احساسی	سلامت جسمی	ویژگی شخصیتی - روحی	تعهد داشتن	معیار منشی - رفتاری	امینیت داشتن	استقلال داشتن	داشتن شناخت پیشین	تناسب ارزش های فرهنگی و اجتماعی	اعتقادی تناسب	درک کردن	احترام گذاشتن	شوندگان مصاحبه	
														آرزو	مرتضی
		+		+	+	+	++	++	+	+	+		+	آرزو	
	+	-		+	+	+	++		-	+	++			مرتضی	
	+	++		+	++	+	+	+	-	-	+	+		بینا	
	+	++		+	++	+	-		-	-	+			رضا	
+	+	+		+	+	+	+	+	-	+	++		+	سمیه	
	+	++		-	-	-	+	-	-	-	-			غزل	
	+	++		+	+	+	+	-	-	+	+			فریبا	
	+	++		+	+	+	+		-	+	+	+		میثم	
+	-	+	++	++	++	+	++	+	+	-	+	+	+	محبوبه	
+	-	-		+	+	+	++	+	+	+	+	+	+	آسیه	
+	+	-		+	++	+	-		-	+	+	+	+	علی	
+	+	+		++	+	+	++	-	+	-	+		+	زهرا	
	++	+			+	+	-		-	-	+			حسن	
+	-	-			+	+	+	+	-	-	++		+	فاطمه	
	+	-	++	+	+	++	-		-	+	++			جواد	

از طریق داده‌های حاصل از مصاحبه، توانستیم که ۱۳ معیار اثرگذار بر همسرگزینی را که افراد در شرایط واقعی انتخاب همسر (مراسم خواستگاری) با آن مواجه بوده‌اند را بدست آوریم. ما این عوامل را به عنوان مقوله‌های محوری پژوهش خود برگزیدیم. از آن جایی که بیان فهرست وار این مقوله‌ها هرگز نمی‌تواند انعکاس دقیقی از معیارهای افراد باشد، برآنیم تا با ارائه جزئیات بیشتر و تحلیلی دقیق تر از این مقوله‌ها، با دنیای واقعی و معیارهای آنان آشنا شویم. یکی از معیارهای مهم انتخاب همسر از دید مصاحبه‌شوندگان، معیار روابط احساسی و عاطفی می‌باشد. این معیار از آن جایی برای ما مهم محسوب می‌شود که توانسته بود تا اثر معیارهای دیگر را کم‌رنگ ساخته و پررنگ تر و قدرتمند ظاهر شود. افراد دارای روابط احساسی و عاطفی (چه دختران و چه پسران)، هر چند به معیارهای دیگر هم توجه کرده‌اند، اما معیار قابل توجه خود را عشق عنوان می‌کنند. در حقیقت می‌توان گفت که عاطفه و احساس دو مقوله فرارونده‌ای هستند که در زندگی اجتماعی نقش سازنده‌ای را بر عهده گرفته‌اند.

فربیا مصاحبه‌شونده‌ای از خانواده مرفه و باز، شاغل، ۲۷ ساله و با ظاهری باز و امروزی، قد و قامت بلند، بیان داشت "معیار عشق". میثم نیز در خانواده‌ای با تلفیقی از ارزش‌های سنتی و امروزی، مرفه، دانشجوی دکتری و با تجربه، در رابطه با دوستی قبل از ازدواج نیز معتقد است: "معیار دوست داشتن و عشق" مهم است. معیار تناسب اعتقادی در مصاحبه‌شوندگان در قیاس با روابط عاطفی - احساسی، هر چند قدرت عشق را نداشت اما معیار قابل توجهی برای دختران و پسران بوده است. این مقوله دارای دو بعد اعتقادات دینی و اعتقادات غیردینی و امروزی می‌باشد. سمیه مصاحبه‌شونده‌ای با پیشینه خانوادگی مذهبی، اما خودش به لحاظ اعتقادی ضدارزش و باز بوده است. فوق لیسانس و استاد دانشگاه می‌باشد، وی اشاره به "بعد فکری و غیرمذهبی" داشته. هم‌چنین فاطمه از خانواده سنتی و مذهبی متعصب و بسته، ۳۱ ساله، فوق لیسانس "معیار اعتقادی و مذهبی بودن" را عنوان کرده است. یا مصاحبه‌شونده (رضا) از خانواده نسبتاً مذهبی و بسته، اما خودش به لحاظ اعتقادی ضد ارزش و باز، دانشجوی ارشد، ۳۹ ساله و مربی معتقد است: "تناسب فکری و اعتقادی".

از معیارهای مهم و مورد توجه تقریباً همه‌ی مصاحبه‌شوندگان، معیار تعهد می‌باشد. و تعهد را هم از بعد روابط عاطفی و هم از بعد مسؤلیت‌پذیری، مورد بررسی قرار داده‌ایم. تعهد در کلام مصاحبه‌شوندگان، دارای برداشت‌های متفاوتی بوده است. کسانی که تعهد را مبتنی به اعتقادات و ارزش‌های دینی خود می‌دانستند (افراد مذهبی)، افرادی که تعهد را مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری منشی می‌دانند (سنتی، انعطاف‌پذیر) و دسته‌ای دیگر که در پابندی به روابط حاضری دانستند (افراد امروزی، عاشق). مصاحبه‌شونده (فاطمه) با برداشت تعهد از حیث (اعتقادات دینی) بیان داشته است "نجابت". رضا مصاحبه‌شونده دیگر باز مینه سنتی به "نجابت، تعهد" تأکید داشته است. برداشتی که از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌شود می‌توان گفت که برای اغلب کنشگران، ظاهر و قیافه نیز دارای اهمیت بوده است. این معیار نیز دارای ابعاد مختلفی مانند زیبایی چهره، قد و نحوه پوشش می‌باشد. برای یکتا با داشتن خانواده باز و امروزی، بسیار مرفه، لیسانس و شاغل، معیار قیافه و نحوه پوشش در اکثریت موارد خواستگاری اهمیت داشته است. وی می‌گوید "معیار قیافه و ظاهر" مهم است. مصاحبه‌شونده (حسن) از خانواده سنتی و مذهبی بسته، از طبقه بسیار پایین، دیپلم، ۳۲ ساله و کارگر، اعتقادش در این باره نیز چنین بوده است "سلامت جسمانی، قیافه و ظاهر". منش و رفتار فرد که در دید مصاحبه‌شوندگان، با تعابیر خوش اخلاقی، خسیس نبودن، با ادب و مهربان بودن بیان شده، از دیگر معیارها مورد توجه مصاحبه‌شوندگان است. این معیار از نظر اهمیت با معیار تعهد برابری دارد. توجه به این معیار می‌تواند بر برداشت‌های اولیه از ظاهر، اثر داشته باشد. مثلاً بی‌تایید بیان داشته است "معیار اخلاق". جواد مصاحبه‌شونده دیگر می‌گوید: "عدم صداقت". معیار امنیت هر چند از طرف اکثر مصاحبه‌شوندگان مورد توجه بوده، اما برای دختران شرط مهمتری محسوب می‌شده است. امنیت دارای ابعاد اقتصادی و روانی است و به عنوان بستر کسب آسایش و آرامش جسمی و روحی، همواره از اصلی‌ترین نیازهای اساسی بشر محسوب شده است. آرزو از خانواده‌ای با سطح اقتصادی نسبتاً پایین، لیسانس، مجرد، ۳۵ ساله و شاغل، از نظر وی مقوله امنیت داشتن (بعد مالی) اهمیت بسیار زیادی داشته است "شغل". مرتضی مصاحبه‌شونده‌ای

با پیشینه خانوادگی سنتی و مذهبی نسبتاً باز، شاغل، دیپلم، متأهل و وضعیت اقتصادی نسبتاً متوسط، هم به مقوله امنیت این گونه از حیث "شاغل بودن" توجه و اشاره کرده است. معیار تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی همان طور که هسته‌ی متشکله بسیاری از تحقیقات تجربی همسرگزینی را به خود اختصاص داده است، مورد توجه مصاحبه‌شوندگان نیز بوده است. ارزش‌ها، درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر کس منوط به شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های ارزشی اوست. ارزش‌ها به عنوان شکل‌دهنده پیام‌های نظام رفتاری افراد، دارای بیشترین تأثیر در کنش‌های آنها بوده و در بعد فردی و روانی، مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری، درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌ها هستند که فرد در فرایند جامعه‌پذیری آنها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷). علی‌مصاحبه‌شونده بوده که از خانواده مذهبی و طبقه اجتماعی پایین، دانشجوی لیسانس، ۲۳ ساله و ورزشکار هست اهمیت این معیار را این گونه اشاره و بازگو کرده است "تناسب اعتقادی، فرهنگی، خانوادگی". ادامه بررسی‌ها هر چند توانست ما را با معیارهای دیگری از کنشگران مانند داشتن استقلال، احترام، درک و شناخت پیشین آشنا کند، ولی حقیقت آن است که ما را با پرسش بزرگ‌تری روبه‌رو ساخت. چرا در حالی که معیار امنیت و استقلال برای مصاحبه‌شونده آرزو مهم است، اما برای مصاحبه‌شونده بی‌تا، بیشتر روابط عاطفی و احساسی مهم‌ترین معیار می‌باشد؟ در حالی که برای مصاحبه‌شونده دیگر آسیه معیار اقتصادی، مهم معیارهاست، اما برای مصاحبه‌شونده فاطمه، معیار اعتقادی بیشتر از همه مورد توجه است. چرا برای حسن مصاحبه‌شونده دیگر، ظاهر و قیافه مهم‌تر است ولی برای علی تعهد و تناسب ارزش‌های فرهنگی؟ دلیل این همه تنوع و ابهام در چیست؟

### مدل، الگو و چالش‌های موجود بر سر راه پژوهش

در هر جامعه‌ای که زندگی کنیم با دنیایی از تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها مواجه ایم. داده‌های



حاصل از مصاحبه‌ها، ما را به این نتیجه رسانید که دنیای دختران و پسران، افراد تحصیل کرده و کم‌سواد، طبقات فرادست و فرودست، مذهبی و غیرمذهبی، منطقی و غیرمنطقی از هم متمایز است. تعمق بیشتر در داده‌ها و مقایسه نظری این تفاوت‌های مهم، منجر به کشف مقوله هسته، یعنی تقابل‌های دوقطبی شده است. یعنی تقابل جنسیت (دختر و پسر)، تقابل مذهبی و غیرمذهبی، تقابل طبقاتی (طبقه بالا و طبقه پایین)، تقابل تحصیلات (بالا و پایین) و تقابل ویژگی‌های شخصیتی (عشق و منطق). از تقابل‌های مهم و بسیار تعیین کننده در معیارهای همسرگزینی، تقابل مذهبی و غیرمذهبی بودن می‌باشد. افرادی که به لحاظ اعتقادی، مذهبی هستند به عنوان افراد سنتی شناخته می‌شوند و افرادی که اعتقادات باز و غیرمذهبی دارند، به عنوان فرد امروزی مصاحبه شونده (فاطمه) با توجه به پذیرش ارزش‌های مذهبی خانواده (بسته) و محیط اجتماعی خود بیان داشته است "اعتقادات" اهمیت بسیار داشته است و در مقابل، مصاحبه شونده (سمیه) فردی غیرسنتی (ضد ارزش) از معیار مخالف آن "اعتقادات فکری" سخن گفته است. در کل می‌توان گفت در افراد سنتی (دختران و پسران)، آن چیزی که اصلی‌ترین ملاک و عامل علی بوده است اعتقادات افراد، ملاک‌های ارزشی و فرهنگی (ایمان، نجابت، تناسب اعتقادی خانواده و فرد) می‌باشد. در دختران و پسران امروزی نیز عامل علی و اصلی‌ترین، ملاک‌های غیرسنتی و بعد فکری و غیرمذهبی بودن، حائز اهمیت می‌باشد.

شکل دیگری از تقابل‌های دوقطبی، تقابل طبقه اقتصادی (بالا و پایین) می‌باشد. افراد برحسب طبقه و جایگاه اقتصادی که برخوردار هستند، معیار انتخاب همسر متفاوتی دارند. طبقه پایین اقتصادی به دلیل داشتن حداقل‌های زندگی در انتخاب همسر نیز، به دنبال دستیابی به حداقل‌های این معیارها هستند. در دختران این طبقه می‌توان به مصاحبه شونده (آسیه) توجه کرد که بیان داشته "شغل" و در مصاحبه‌شوندگان پسر (حسن) اشاره کرد که به "قیافه و ظاهر، نجابت" توجه داشته است. در کل می‌توان گفت در دختران طبقه پایین اقتصادی، آن چیزی که اصلی‌ترین ملاک و عامل علی است، ملاک شغل می‌باشد و در پسران طبقه پایین اقتصادی، مهم‌ترین و عامل علی

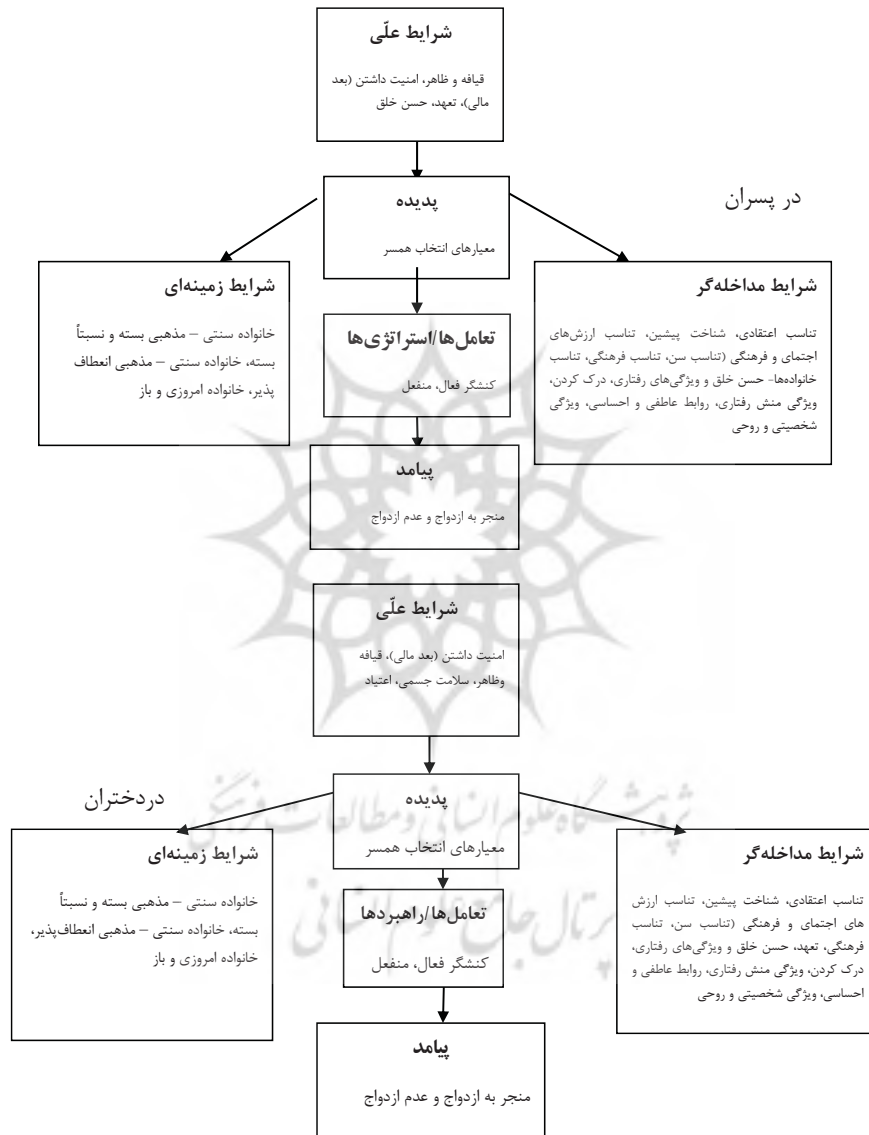
در انتخاب همسرشان، ملاک فیزیکی (قیافه و ظاهر، سلامت جسمی) و ملاک شخصی (نجابت) بوده است. طبقه بالای اقتصادی به دلیل برخورداری از حداکثر امکانات جامعه در انتخاب همسر نیز، به دنبال حداکثر معیارها می‌باشند. که مصاحبه شونده (بیتا) اشاره ای به این مورد داشته است "شغل، عشق، قیافه و ظاهر، ویژگی شخصیتی، خانواده و..." و نیز به مصاحبه شونده دیگر به نام میثم اشاره کرد که "نفاهم، قیافه و ظاهر، خانواده و..." را بیان داشته است.

تقابل مهم دوقطبی دیگری که می‌توان بیان کرد، تقابل تحصیلات (بالا و پایین) می‌باشد. افراد بر حسب تحصیلات نیز ملاک‌های انتخاب همسرشان متفاوت است. در افراد با تحصیلات بالا می‌توان به مصاحبه شونده (رضا) اشاره کرد که "تحصیلات، تناسب فرهنگی و اقتصادی، تعهد و اعتماد داشتن و..." و در دختران تحصیل کرده نیز می‌توان به سمیه توجه کرد که بیان داشته "بعدفکری، منزلت اجتماعی و فرهنگی، ظاهر، اعتیاد نداشتن، تعهد" اهمیت داشته است. در کل می‌توان گفت در دختران و پسران با تحصیلات بالا به دلیل برخورداری از تحصیلات و منزلت اجتماعی در جامعه، به دنبال حداکثر ملاک‌های انتخاب همسر و تناسب هر چه بیشتر می‌باشند. در افراد با تحصیلات پایین می‌توان به مصاحبه‌شوندگان (زهرا و حسن) اشاره کرد. زهرا "شغل، عدم اعتیاد، خانواده، تناسب اعتقادی، اخلاقیات" را عنوان کرده است. در کل در دختران و پسران با تحصیلات پایین می‌توان گفت که ملاک‌هایی متفاوت از افراد تحصیل کرده دیده می‌شود. در دختران ملاک پایه (شغل)، ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و اعتیاد)، ملاک ارزشی - فرهنگی (تناسب اعتقادی) و در پسران هم می‌توان به ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک ارزشی - فرهنگی (تناسب اعتقادی) و ملاک شخصی (تعهد) اشاره کرد. هم‌چنین از تقابل‌های دوطیفی مهم اشاره شده توسط مصاحبه‌شوندگان در همسرگزینی، تقابل عشق و منطق است. و بر این اساس می‌توان گفت که هر کس بر اساس ویژگی شخصیتی که دارا است دست به انتخاب همسر می‌زند. افراد منطقی در انتخاب خود در پی حداکثر سود و منفعت هستند. مصاحبه‌شونده دیگر به نام (آرزو) بیان داشته که "شغل، خانواده" نشان‌دهنده همین

منطق ساده است. در مقابل افراد غیرمنطقی (عاشق) بر مبنای احساسات رفتار می کنند. مصاحبه شونده (غزل) از این دسته می باشد و "عشق" دارای اهمیت بسیار بوده است. در کل می توان گفت در افراد منطقی در دختران ملاک هایی از جمله ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و اعتیاد)، ملاک های شخصی (حسن خلق، تعهد و تفاهم)، ملاک های ارزشی فرهنگی (تناسب اعتقادی و فرهنگی و تناسب سنی) و ملاک پایه (شغل و امنیت داشتن) و در پسران که به صورت منطقی برخورد می کنند می توان به ملاک هایی از جمله ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک های شخصی (حسن خلق، تعهد و تفاهم)، ملاک های ارزشی فرهنگی (تناسب اعتقادی و فرهنگی و تناسب سنی) و ملاک پایه (شغل و امنیت داشتن) به عنوان عامل مداخله ای در انتخاب همسر می باشد. در افراد غیرمنطقی (دختران و پسران) اصلی ترین، ملاک فرایندی عشق بوده است. این افراد می خواهند، یک فرایندی عشق در آنها شکل بگیرد و در آخر نیز، منجر به ازدواج شود. ملاک های دیگر برای این افراد در انتخاب همسر، رنگ می بازد و دارای اهمیت و جایگاهی نیست.

از مهم ترین این تقابل ها که در پژوهش حاضر می توان به صورت الگو و مدل نیز ارائه کرد، تقابل جنسیتی می باشد. ملاک های دختران و پسران در همسرگزینی متفاوت و در صورت وجود معیار مشابه، آن معیار از شدت متفاوت برخوردار است. معیار قیافه و ظاهر در مصاحبه شونده (حسن) بسیار مورد توجه بوده است: "سلامت جسمانی، قیافه و ظاهر". در مصاحبه شونده (آرزو) و اکثر دختران به امنیت، بویژه امنیت شغلی و استقلال اهمیت داده اند و همین مقوله از جانب پسران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکتا مصاحبه شونده دیگر در ارتباط با مقوله استقلال داشتن (مالی) بیان داشته است: "معیار استقلال داشتن"، هم چنین مصاحبه شونده (آسیه) "اعتماد بنفس، استقلال داشتن". در کل می توان گفت در دختران شغل و امنیت، معیار اولیه و مهمی محسوب می شود. در ملاک شخصی، تفاهم و اخلاق و در ملاک های فیزیکی، جذابیت قیافه و ظاهر و اعتیاد و در ملاک های ارزشی و فرهنگی، تناسب سنی و تناسب اعتقادی مهم می باشد. در پسران ملاک های فیزیکی مانند (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک های شخصی (تعهد

و حسن خلق) و بعد مالی می باشد



### بحث و نتیجه گیری

آن چه در این جا بیش از همه، مورد اهتمام خواهد بود، مقایسه شباهت ها و تفاوت های نظریه تولید شده با دانش و نظریات پیشین است. قبل از آن یادآور می شویم که جستجو برای سؤال پژوهش، ما را با گستره ای از تحقیقات در زمینه معیارهای همسرگزینی روبه رو ساخت. پژوهش هایی که معیارهای متفاوتی از همسرگزینی را ارائه می دادند. در عین حال، با نظریات متفاوتی از اندیشمندان جامعه شناس و روان شناس مواجه بودیم. از گروه جامعه شناسان می توان از صاحب نظرانی مانند وبر و مرتن که توجه خود را به ساختارهای کلان و تأثیر بلافصل آنها بر کنش افراد معطوف می نمودند و یا جامعه شناسانی چون هومنز و بلاو که بر نظریات خرد تأکید دارند، نام برد. از گروه روان شناسان نیز می توان به نظریات همسان همسری، نیازهای مکمل و نظریه انگیزش اشاره کرد. در این زمینه آن چه بیشتر مورد علاقه محققان بوده است، نظریات روان شناسی و نظریات خرد جامعه شناسی می باشد.

علاوه بر این، آن چه در اکثر تحقیقات تجربی اعم از داخلی و خارجی مشهود است، استفاده از نظریه هایی با پشتوانه روان شناسی بویژه همسان همسری است. بر این اساس، نتایج این پژوهش با نظریات همسان همسری در معیار تناسب اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ بوده و در عین حال، با نتایج پژوهش حیدری و دیگران (۱۳۸۷)، وکلدی و غفوریان (۱۳۸۷) که مهم ترین معیار را عوامل اجتماعی و فرهنگی دانسته اند، تناسب دارد. هم چنین ملاک امنیت اقتصادی و شغل به عنوان شرط مهمی بویژه برای دختران، با پژوهش حسن زادگان رودسری و سعیدی رضوانی (۱۳۷۲) که مهم ترین معیار را شغل می دانستند، همسو می باشد. نتایج این پژوهش همگام با تحقیق نصیرزاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۸) که مهم ترین انگیزه در انتخاب همسر در دختران را معیار احساس روانی (عاطفی) عنوان کرده نیز همخوانی دارد. هرچند نتایج این پژوهش نشان داده است که ملاک روابط عاطفی و احساسی در افراد (دختران و پسران) که ویژگی شخصیتی احساسی (غیرمنطقی) دارند، حائز بیشترین اهمیت و عامل علی می باشد.

اما نکته اصلی این پژوهش، در تقابل‌های دو طیفی است. به عنوان مثال، هر چند که در پیشینه‌های تجربی، معیار روابط عاطفی به عنوان معیار مهم انتخاب همسر می‌باشد، اما این نکته نیز مهم است که بدانیم برای فردی که درگیر روابط عاطفی است، این معیار تعیین‌کننده است، اما برای کسانی که در سمت دیگر درگیر روابط عاشقانه نبوده و شخصیت منطقی دارند، معیار تعیین‌کننده، مانند آن چه در مورد آرزو گفته شد، ممکن است، شغل باشد. یا هر چند در پژوهش‌های گذشته نصیرزاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۸)، به معیار مذهبی بودن اشاره شده است، اما ما به این معیار، به صورت تقابل مذهبی بودن و غیرمذهبی بودن پرداخته‌ایم، به گونه‌ای که افرادی که ارزش‌های دینی برای آنان درونی شده، از معیار مذهبی بودن و افراد غیردینی از معیار غیرمذهبی و امروزی، سود می‌جویند. هم‌چنین دسته‌بندی و اولویت‌بندی معیارهای همسرگزینی در تقابل جنسیتی (دختر و پسر) کاملاً مشهود است. در حالی که برای دختران، شغل ملاک پایه محسوب می‌شود، همین معیار برای پسران کمتر مورد توجه می‌باشد. هم‌چنین تقابل طبقاتی (طبقه بالا و طبقه پایین) عامل تعیین‌کننده دیگری است که در پژوهش‌های تجربی کمتر به آن پرداخته شده است. با این همه توانسته‌ایم که الگو و مدل خود را تنها بر اساس تقابل جنسیتی (دختر و پسر) به این شکل ارائه دهیم که در دختران عامل علی، امنیت داشتن، قیافه و ظاهر، تناسب خانوادگی، اعتیاد، تناسب اعتقادی و در پسران، قیافه و ظاهر، تناسب سنی، تناسب خانوادگی، تعهدداشتن، تناسب اعتقادی و بعدمالی بوده است. عوامل مداخله‌ای، احترام متقابل، درک کردن، منش رفتاری، استقلال داشتن، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، سلامت جسمی، روابط عاطفی و احساس می‌باشد. از شرایط زمینه‌ای می‌توان به ارزش‌ها و اعتقادات خانواده، باورها و تجارب فرد، تحصیلات، شغل، منزلت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی اشاره کرد. در زمینه مقوله هسته پژوهش، به تقابل‌های دوقطبی (تقابل طبقه اقتصادی، تقابل مذهبی و غیرمذهبی، تقابل جنسیت و تقابل ویژگی شخصیتی) دست یافته‌ایم. یافته‌ها نشان داده که ملاک‌های افراد بر حسب تقابل‌های دوقطبی، متمایز از هم می‌باشد. در تکمیل معیارهای همسرگزینی و برای برطرف کردن ابهامات، به

این نکته نیز پرداخته‌ایم که در حالی که هریک از کنشگران، دارای طیف وسیعی از معیارهای انتخاب همسر بوده‌اند، این مجموعه از معیارها را چگونه اولویت بندی می‌کنند و عامل تعیین کننده و نهایی آنان کدام معیار است؟ چینی این معیارها در موارد و مصاحبه شونده‌گان گوناگون چگونه خواهد بود؟ و آیا کنشگران ممکن است از یک معیار به خاطر معیار دیگر صرف نظر کنند؟ از این رو، با بررسی مکرر داده‌ها و کسب یافته‌های جدید از آن دریافتیم که کنشگران، در هر مورد به چینی جدیدی از معیارها به محاسبه عقلانی (سود و زیان) پرداخته و تلاش می‌کنند با انتخابی عقلانی، حداکثر منافع خود را حفظ کنند. این سود و زیان می‌تواند منافع مادی یا غیرمادی باشد. طبیعی است که افزایش سن بویژه در دختران، تغییر شرایط شغلی، وضعیت اقتصادی، تغییر موقعیت اجتماعی در جهت مثبت یا منفی، این قاعده منطقی را تغییر می‌دهد.

### منابع

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *میانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. مترجم ابراهیم افشار. تهران: نشرنی.
- آنجلس، باربارا (۱۹۹۴). *آیا تو آن گمشده/ هستی*. ترجمه هادی ابراهیمی. تهران: نسل نو اندیش.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۲). *جامعه شناسی نظری*. تهران: بهمن؛ برنا.
- حسن زادگان رودسری، ماهرخ؛ سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۲). "مقایسه دیدگاه‌های دختران و پسران دانشجو درباره همسرگزینی و ازدواج". *رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱۷: ۳۸ - ۴۹.
- حیدری، جبار، و دیگران (۱۳۸۷). "معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی مازندران". *پژوهش پرستاری/ایران*، سال سوم، ش ۱۱: ۵۴ - ۶۲.
- شهریاری، صدیقه (۱۳۸۱). *بررسی معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه بانوان دانشجوی پیام نور اردستان*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- شیرنژاد، حسین علی (۱۳۸۳). "بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و همسرگزینی". پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فینچام، فرانکدی؛ برادبری. توماسان (۱۳۹۰). *روانشناسی ازدواج*. مترجمین جواد خلعتبری و دیگران. تهران: ساد.
- کلدی، علیرضا؛ غفوریان، مریم (۱۳۸۷). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر معیارهای همسرگزینی". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال اول، ش اول: ۱۵۵-۱۷۲.
- کوئن، بروس (۱۳۷۹). *مبانی جامعه شناسی*. ترجمه غلام عباس توسلی. تهران: سمت.
- نصیرزاده، راضیه؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۸). "معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه های تهران". *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱، ش ۱: ۴۱-۵۰.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل ها، بررسی نظری و تجربی*. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Cox, W. M.; Klinger, E. (2002). "Motivational structure": Relationships with substance use and processes of change". *Addictive Behaviors*, Vol. 27: 925-940.
- Eshleman, J. Ross (1988). *The family an Introduction*. Aiiynand Bacod, Inc.
- Glasser, W. (2000). *Counseling with Choice Theory: The New Reality*.
- Heider, F. (1958). *The Psychology of Interpersonal Relations*. New York: John Wiley & sons, Inc.p.126.
- Udri, Richard (1966). *The social context of Marriage*. New York: J. B. Lippincott Company.